

حوادث فرانسه؛ ریشه‌ها و پیامدها

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۴۱۲۹

پهمن‌ماه ۱۳۹۳

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۳.....	۱. انگیزه‌ها و عوامل حمله.....
۸.....	۲. پیامدهای حمله.....
۱۱.....	نتیجه‌گیری.....



حوادث فرانسه؛ ریشه‌ها و پیامدها

چکیده

حوادث تروریستی اخیر در فرانسه که منجر به کشته شدن شماری از شهروندان این کشور شد بازتاب جهانی قابل توجهی داشته است. این حوادث براساس انگیزه‌ها و عوامل مختلفی قابل بررسی است. در راستای انگیزه‌شناسی مهاجمان می‌توان به مواردی مانند اقدام علیه مواضع هنجارشکنانه و ضداسلامی نشریه شارلی ابدو (هنجارشکنی مذهبی و هنجارسازی سکولار در تعارض با ماهیت جوامع اسلامی)، اقدام علیه سیاست‌های مداخله‌جویانه و دوگانه فرانسه در جهان اسلام به‌ویژه در سوریه (خشم و نفرت اعتراض‌آمیز نسبت به مداخله‌گری‌های فرانسه در خارج از این کشور)، اقدام علیه استراتژی ضدتروریستی دنیای غرب در قالب پادتروریسم و اقدام واکنشی و تبعی در برابر استراتژی ضدتروریستی دنیای غرب به رهبری آمریکا اشاره کرد. در عین حال فرضیه‌های دیگری مانند امکان طراحی این حوادث توسط برخی سرویس‌های اطلاعاتی مانند موساد نیز مطرح شده است. این حمله دارای پیامدهایی است که دامنگیر نه تنها فرانسه که سایر کشورهای اروپایی به‌ویژه در ارتباط با مسلمانان و جهان اسلام خواهد شد. از مهمترین پیامدهای این رویداد می‌توان به تشدید روندها و اقدامات امنیتی در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی، تشدید تنش‌ها میان دولت‌های غربی و شهروندان مسلمان آنها و افزایش تنش‌ها میان کشورهای غربی و جهان اسلام و تقلیل جنگ ضدتروریستی به جنگ ضداسلامی اشاره کرد.

مقدمه

روز ۱۷ ژانویه سه تروریست در حمله به دفتر نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» در پایتخت فرانسه، ۱۲ نفر را کشته و ۱۱ تن را زخمی کردند. مهاجمین دو روز بعد هم دست به گروگانگیری زدند و نهایتاً همانطور که انتظار می‌رفت، به دست نیروهای پلیس کشته شدند. خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از یک عضو بی‌نام القاعده یمن، این حمله را انتقامی در پاسخ به کاریکاتور موهن سال گذشته این نشریه علیه پیامبر اسلام توصیف کرده و در بیانیه‌ای که مدعی است از سوی القاعده یمن منتشر شده، گفته است: «رهبری القاعده شبه‌جزیره، عملیات‌ها را مدیریت کرد. اهداف با دقت انتخاب شده بودند». این فرد همچنین با بیان اینکه این حملات در راستای هشدارهای سال‌های قبل «اسامه بن لادن» بوده، گفته است که القاعده یمن، تاکنون به دلیل «ملاحظات امنیتی» از پذیرش مسئولیت این عملیات خودداری کرده است. ساعتی پس از انتشار این مصاحبه، القاعده یمن با انتشار فایل صوتی، رسماً مسئولیت این حملات را برعهده گرفت و اقدام «سعید کواشی» و «شریف کواشی» را حمله‌ای «مقدس در پاریس»، توصیف کرد. سخنگوی القاعده یمن در این پیام همچنین فرانسه را به حملات تروریستی بیشتر تهدید کرده است. روز ۱۸ ژانویه هم گزارش شده بود که یکی از عاملان این حمله، در سال ۲۰۱۱ برای دیدار با «انور العولقی» از رهبران برجسته القاعده که بعدها در حملات هوایی کشته شد، به یمن سفر کرده بود. این درحالی است که پیشتر شبکه سی‌ان‌ان گزارش داده بود که یکی از گروگانگیرها در تماس با یکی از شبکه‌های زیرمجموعه سی‌ان‌ان، خود را عضو گروه تروریستی «داعش» معرفی کرده



است. لازم به ذکر است که «شارلی ابدو» یک هفته پیش از انجام حملات، کاریکاتوری از «ابوبکر البغدادی» سر کرده داعش منتشر کرده بود. به هرحال، حمله دو فرد مسلح به نشریه شارلی ابدو از جمله رویدادهایی است که پیش از این تحلیلگران نسبت به وقوع آنها در فرانسه هشدارهای لازم را داده بودند. گرچه جریان اصلی رسانه‌ای غرب تلاش کرد که این حمله را «تهاجم به دنیای آزاد» (آن‌گونه که روزنامه نیویورک تایمز در شماره اخیر خود انعکاس داد) نشان دهد و این واقعه را آن‌گونه به اذهان مردم دنیا القا کند که مسلمانان به دلیل آزادی‌های ما، از ما متنفر هستند، (مانند نوع برخورد با حادثه ۱۱ سپتامبر که آن را اعلان جنگ مسلمانان علیه دنیای غرب معرفی کردند)، اما توجه به واقعیات، باعث رمزگشایی این موضوع خواهد شد که چرا یک نشریه پاریسی مورد حمله افراد مسلح قرار می‌گیرد و این قبیل حملات افراطی چه نتایج و پیامدهایی به دنبال دارد.

۱. انگیزه‌ها و عوامل حمله

۱-۱. اقدام علیه مواضع هنجارشکنانه و ضداسلامی نشریه

شارلی ابدو مجله فکاهی چپ‌گرای فرانسوی است که چهارشنبه‌ها منتشر می‌شود. درونمایه این مجله لحنی هتاک دارد و از نظر محتوا به شدت ضد مذهب است. مطالب این مجله شامل نقد و تمسخر کاتولیک فرانسه، یهودیت در فرانسه، اسلام در فرانسه، سیاست و حتی فرهنگ عامه فرانسه می‌شود. در سپتامبر ۲۰۱۲ انتشار کاریکاتورهایی موهن با موضوع پیامبر اسلام در این مجله باعث تظاهراتی گسترده علیه این مجله و تظاهرات ضدفرانسوی در برخی کشورهای اسلامی شد. این مجله در طنزپردازی نسبت

به مذاهب و ادیان و در پیش گرفتن راه افراط در این زمینه مسبوق به سابقه می‌باشد. این نشریه به‌ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر همگام با سیاست‌های غرب‌گرایانه کشورهای جبهه جنگ علیه تروریسم، مقابله با اسلام، شخصیت‌ها و اعتقادات اسلامی را در دستور کار خود قرار داد. در مقابل واکنش اعتراض‌آمیز مسلمانان، غربی‌ها و اهالی نشریه مزبور با استناد به اینکه این کاریکاتورها منحصر به اسلام نبوده و شامل سایر ادیان نیز بوده است، سعی در تطهیر عملکرد موهن و ضدمذهبی نشریه متبوع بدون توجه به عقاید مذهبی مردم مسلمان در نقاط مختلف جهان داشته‌اند. در واقع، به‌نظر می‌رسد، شارلی ابدو بیشتر به‌دنبال هنجارشکنی مذهبی و هنجارسازی سکولار بوده که طبعاً با ماهیت جوامع اسلامی همخوانی نداشته و ندارد. از این رو، مجله مورد بحث و کارتون‌نویس‌های آن سال‌هاست که نام‌آشنای جوامع معترض اسلامی بوده است. قبلاً هم دفتر این نشریه به‌دلیل رویکرد هنجارشکنانه نسبت به مقدسات اسلامی مورد حمله مسلمانان قرار گرفته بود. استمرار این رویه نهایتاً در قالب یک اقدام مسلحانه علیه نشریه و سردبیر و تعدادی از کارمندان آن متجلی شد.

۲-۱. اقدام علیه سیاست‌های مداخله‌جویانه و دوگانه‌فرانسه در جهان اسلام

واقعیت این است که فرانسه طی سال‌های اخیر موضع نظامی به‌شدت تجاوزکارانه‌ای اتخاذ کرده و در شماری از رویدادها در آفریقا و خاورمیانه مداخله نظامی مستقیم داشته است به‌گونه‌ای که در همان هفته‌ای که حمله به نشریه فرانسوی روی داد، مقامات ارشد این کشور بر طبل جنگ علیه لیبی می‌کوبیدند. این درحالی است که بسیاری از تحلیلگران، اقدامات «ضدتروریستی» فرانسه در شمال آفریقا و خاورمیانه به‌همراه



سنت‌های قوی سکولار را عامل تحریک افراط‌گرایانی می‌دانند که به نشریه «شارلی ابدو» حمله مسلحانه کردند. حتی «رابرت بادینتر» وزیر دادگستری پیشین فرانسه در مصاحبه‌ای با رادیو بین‌المللی فرانسه، تأکید کرده است که: «فرانسه هدف قرار می‌گیرد چراکه ما به دنبال تحمیل ثبات (بر آفریقای شمالی و خاورمیانه) از طریق شکست بنیادگرایانی هستیم که باعث وقوع چنین بلایایی در آن مناطق می‌شوند». براین اساس، تحلیلگران، حادثه پاریس را به نقش صریح فرانسه در عملیات‌های نظامی در آفریقای شمالی و خاورمیانه طی سه سال گذشته ربط می‌دهند.

«نیک ویتنی» رئیس پیشین آژانس دفاعی اروپا و یکی از تحلیلگران ارشد «شورای امور خارجی اروپا» مستقر در پاریس به این واقعیت اشاره دارد که «سه کشور از مجموعه کشورهای غربی که به عملیات علیه داعش پیوسته‌اند - کانادا، استرالیا^۱ و اکنون فرانسه - طی ماه‌های اخیر حملات تروریستی را تجربه کرده‌اند. از سوی دیگر فرانسه که تاریخ استعماری طولانی در شمال آفریقا و سوریه دارد، نیروهای قابل توجهی را به خاورمیانه، آسیای مرکزی و آفریقا گسیل کرده است. پاریس حدود ۴ هزار نیروی نظامی به مأموریت ۱۳ ساله ناتو در افغانستان اعزام کرده و رقم مشابه‌ای را تحت حمایت تانک‌ها، بالگردها و جت‌های جنگنده در دو سال پیش راهی کشور آفریقایی مالی کرد. این مأموریت هم‌اکنون گسترش یافته تا کشورهای مجاور مالی یعنی چاد و نیجر را نیز دربر گیرد و نیروی هوایی فرانسه از جمله نخستین نیروهایی بود که به عملیات تحت رهبری آمریکا علیه داعش در سوریه و عراق پیوست و ۱۵ جنگنده و

۱. در ماه دسامبر ۲۰۱۴ یک فرد مسلح با حمله به کافه‌ای در سیدنی استرالیا و گروگانگیری، باعث کشته شدن دو نفر شده و در نهایت نیز خود از پای درآمد. در ماه اکتبر نیز دو سرباز کانادایی در حملاتی جداگانه که توسط افراط‌گرایان مسلح در اوتاوا و مونترئال طرح‌ریزی شده بود، کشته شدند.

بمبا فکن میراژ و رافائل را اعزام کرد. علاوه بر این، مشاوران نظامی فرانسوی در عراق هم حضور دارند. خبرگزاری رویترز گزارش داده است که نیروی دریایی فرانسه با اعزام ناو هواپیمابر «شارل دوگل» که ۳۰ جت جنگنده را به همراه دارد، به این منطقه وارد خواهد شد و این درحالی است که رهبری داعش از حامیان خود در فرانسه خواسته در داخل این کشور دست به حملات تروریستی بزنند.

براساس گزارش منابع خبری فرانسوی، در حال حاضر حدود یک‌هزار شهروند فرانسوی در جنگ شبه‌نظامیان تروریست علیه دولت‌های عراق و سوریه حضور دارند که از این میان حدود ۲۰۰ نفر به فرانسه بازگشته‌اند که همگی از مهارت‌های تاکتیکی و نظامی مورد نیاز برای دست زدن به حملات تروریستی برخوردارند. در همین راستا، «اد بلانش» یک تحلیلگر مستقر در بیروت و عضو مرکز بین‌المللی مطالعات راهبردی لندن در این باره می‌گوید: «پاریس و دیگر دولت‌های اروپایی می‌هراسند که بسیاری از هزاران نفری که از کشورهایشان در سوریه و عراق می‌جنگند سرانجام به خانه باز خواهند گشت و مبارزه خود را در اروپای غربی از سر می‌گیرند که امکان پیوستن هزاران فرد سرخورده و به حاشیه رانده و به فراموشی سپرده شده به آنها وجود دارد».

از سوی دیگر باید در نظر داشت که حمله تروریستی به نشریه فرانسوی، یادآور خشم و نفرت کسانی است که نسبت به مداخله‌گری‌های فرانسه در خارج از این کشور اعتراض دارند. گرچه رسانه‌های غربی این بار نیز تلاش خواهند کرد مسلمانان را عامل این حملات معرفی کنند و چهره‌ای پلید از آنها به تصویر بکشند، اما سؤال این است که چرا دولتمردان اروپایی که با سیاست‌های تجاوزکارانه و امپریالیستی، خود را محق به دخالت در اقصی نقاط جهان می‌دانند، برای یک‌بار هم که شده مداخله‌گری نظامی خود



را عامل واکنش دیگران نمی‌دانند.

گسیل نیروی نظامی و مداخله در امور دیگر کشورها، به‌عنوان یک ارزش در ساختار غرب نهادینه شده و کسی که در پاریس یا یک پایتخت اروپایی کشته شود، قربانی تروریسم است و اگر فردی بی‌گناه در یک کشور مسلمان در حملات نظامی غرب کشته شود، هزینه‌ای است که کشورهای مسلمان باید برای حفظ ارزش‌های غربی بپردازند.^۱

۳-۱. اقدام علیه استراتژی ضد تروریستی دنیای غرب در قالب پاد تروریسم

در یک رهیافت کلی‌تر و اساسی‌تر، حمله مسلحانه به دفتر نشریه شارلی ابدو را می‌توان اقدامی واکنشی و تبعی در برابر استراتژی ضد تروریستی دنیای غرب به رهبری آمریکا تلقی کرد. این استراتژی که در بیان با هدف امحای تروریسم و خشکاندن منابع ارتزاقی آن در خاورمیانه و در عمل در جهان اسلام تجلی یافته است، در واقع، کانون و آماج سیاست‌های خصمانه خود را مسلمانان قرار داده است. به‌عبارت دیگر، در این گفتمان مصداق بارز تروریسم بر مسلمانان و بنیادگرایی اسلامی اطلاق شده است. مداخلات گسترده و آشکار آمریکا در کشورهای اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر در قالب استراتژی ضد تروریستی شکل و ابعاد جدیدی یافت که از همان ابتدا با واکنش جوامع اسلامی مواجه شد. از نتایج آشکار این رویه و بدعت آمریکایی - غربی تشدید و اوج‌گیری پدیده موسوم به آمریکاستیزی و غرب‌ستیزی است که به‌ویژه پس از حمله این کشورها به عراق و سپس مداخله در جنگ سوریه از شدت بیشتری نیز برخوردار شد. این پدیده

۱. «شارلی ابدو»، قربانی سیاست خارجی تجاوزکارانه فرانسه، خبرگزاری فارس، ۲۰ دی‌ماه ۱۳۹۳.

خود بستری مناسب برای ظهور پدیده‌ای جدید و رو به گسترش است که بسیاری از تحلیلگران و صاحب‌نظران در مورد آن هشدار داده بودند و آن پدیده پادتروریسم است. به عبارت دیگر، گفتمان ضدتروریسم که خود به ابزارها و سازوکارهای تروریستی برای مقابله با تروریسم مبادرت ورزید، موجب شکل‌گیری نوع جدیدی از تروریسم و گسترش آن شده است که به پادتروریسم شهرت یافته است. وقایع اخیر فرانسه را می‌توان ادامه این گفتمان پادتروریستی در عمل دانست که با هدف مقابله و پاسخگویی به سیاست‌های ضدتروریستی غرب و از جمله فرانسه انجام پذیرفته است. بنابراین، به نظر می‌رسد غرب در دستیابی به اهداف ضدتروریستی خود دچار نقض غرض گشته، زیرا نه تنها به این هدف نائل نشده، بلکه زمینه‌ساز گسترش آن در قالب‌هایی جدید شده است. در این زمینه حمایت کشورهای غربی از جمله فرانسه از تروریست‌ها در سوریه را باید مورد اشاره قرار داد که نقش مهمی در گسترش پدیده تروریسم داشته است.

جدای از عوامل و انگیزه‌های فوق، یک فرضیه قوی دیگر ناظر بر امکان طراحی حملات تروریستی اخیر در فرانسه توسط سرویس‌های اطلاعاتی غرب و صهیونیستی است. این فرضیه به‌ویژه با در نظر داشتن پیامدهای ناشی از این حملات از جمله تشدید اسلام‌هراسی و فراهم شدن زمینه دخالت بیشتر غرب در امور کشورهای اسلامی به شدت تقویت می‌شود.

۲. پیامدهای حمله

۲-۱. تشدید اقدامات قضایی و امنیتی در فرانسه

مسلم است که این حمله تنها محدود به واکنش‌های داخل و خارج از فرانسه نمی‌شود و



تا مدت‌ها محل بحث خواهد بود و چه بسا سرمنشأ تحولاتی در این کشور و در سطح بین‌المللی باشد. ماری لوژن، رئیس حزب راست‌گرای جبهه پیشروی ملی فرانسه، از همین حالا شروع به کار کرده و با بهانه قرار دادن این حمله خواستار احیای مجازات اعدام در این کشور شده و گفته که اگر در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۷ فرانسه پیروز شود یک همه‌پرسی در این زمینه برگزار خواهد کرد. بنابراین، حمله به مجله شارلی ابدو دستکم تا انتخابات دو سال بعد، از سوژه‌های مهم تبلیغاتی و انتخاباتی خواهد بود. جدای از وجه احساسی و غمبار آن برای جامعه فرانسه، این حادثه پرسش‌های زیادی را به‌وجود آورده که باید دیر یا زود به آن پاسخ داده شود. این پرسش‌ها شامل طیف گسترده‌ای از قابلیت‌ها و آسیب‌های حفاظتی و امنیتی و اطلاعات فرانسه تا نحوه برخورد با مهاجران مسلمان و قوانین مهاجرتی در این زمینه و در نهایت نحوه مقابله قانونی با این قبیل اقدامات است. به‌طور کلی تقاضا برای تشدید تمهیدات امنیتی در فرانسه پس از حوادث اخیر به‌شدت افزایش یافته است.

۲-۲. تشدید تنش‌ها میان دولت‌های غربی و شهروندان مسلمان

از موضوعات مهم در این زمینه چگونگی مدیریت روابط دولت‌های غربی به‌ویژه دولت فرانسه با شهروندان مسلمان است، به‌ویژه آنکه فرانسه در میان کشورهای اروپایی بالاترین نرخ مهاجرت‌ها از کشورهای اسلامی را دارد. بر این اساس، ممکن است با طرح موضوعاتی از جانب مقامات فرانسوی مبنی بر اینکه منتظر پاسخ قاطع و فعالانه جامعه مسلمانان این کشور در واکنش اعتراضی به چنین اقداماتی می‌باشند، رابطه میان دولت و شهروندان مسلمان فرانسوی دستخوش ناآرامی شود. از آنجا که تحرکات مسلحانه از این دست طی چند ماه گذشته در برخی کشورهای غربی تکرار شده و تحولات اخیر

فرانسه از شدت بیشتری برخوردار بوده، بر دامنه تنش‌ها به‌منظور تمهید تدابیر امنیتی شدید در این کشور و سایر کشورهای غربی در معرض خطر، افزوده خواهد شد. بی‌شک اصلی‌ترین آماج سیاست‌های سخت‌گیرانه اطلاعاتی و امنیتی، شهروندان مسلمان این جوامع خواهند بود. در توضیح مطلب باید افزود که یکی از موضوعات جدال‌برانگیز پس از ۱۱ سپتامبر متوازن‌سازی دو مقوله آزادی و امنیت شهروندان بود که آن را به دوگانه‌ای پارادوکسیکال برای سیاست‌گذاری‌های داخلی کشورهای غربی تبدیل کرد. در این میان وضعیت شهروندان غربی مسلمان تبار از پیچیدگی خاصی برخوردار شده است.

۲-۳. تشدید تعارض و سوء تفاهم میان غرب و جهان اسلام

تنش میان کشورهای غربی و جهان اسلام موضوع جدیدی نیست، اما شکل و دامنه آن تحت تأثیر تحولات چند دهه گذشته از ویژگی‌های نوینی برخوردار شده است. با توجه به سابقه استعماری کشورهای غربی و از جمله فرانسه در جهان اسلام که تعارض آنها را به سطوح فلسفی و سیاست‌گذاری کشانده، عواملی مانند حمله اخیر در فرانسه بر شدت این تعارضات می‌افزاید. به‌نظر می‌رسد یک رابطه دوری میان این پدیده‌ها وجود دارد. از یکسو حملات مسلحانه در خاک کشورهای غربی بر شدت تنش میان دو طرف می‌افزاید و از طرف دیگر، این رویه افراطی خود معلول سیاست‌های استعماری و استمرار آن در قالب مداخله‌جویی در جوامع و کشورهای اسلامی و نیز محصول اقدامات توهین‌آمیز غرب نسبت به مقدسات مسلمانان است. واکنش در قبال سیاست‌های مداخله‌گرایانه غرب خود را در قالب گسترش جریان‌ها و تمایلات غرب‌ستیز در میان مسلمانان نشان می‌دهد. ازسوی دیگر سیاست کشورهای غربی در حمایت از جریان‌ات افراطی در



کشورهایی چون سوریه بازخوردهای امنیتی غیرقابل اجتنابی برای خود آنها به همراه دارد. طبیعتاً تا زمانی که رفتار و رویکرد غربی‌ها در قبال جوامع اسلامی اصلاح نشود نمی‌توان انتظار تضعیف سوءتفاهم‌ها میان دو طرف را داشت.

۴-۲. تقلیل جنگ ضد تروریستی به جنگ ضداسلامی

غرب پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هدف خود را مقابله با تروریسم اعلام کرد و به‌نوعی با عملکرد خود نشان داد که منظور از جنگ با تروریسم جنگ با اسلام است که خود یادآور نظریه برخورد تمدن‌ها می‌باشد. به‌نظر می‌رسد حوادث اخیر مانند آنچه در فرانسه رخ داد نیز بیانگر آن است که جنگ ضد تروریستی به جنگ ضداسلامی تقلیل یافته است. نگاهی کوتاه به سابقه و رویه سیاست‌های کشورهای غربی و از جمله فرانسه در زمینه مبارزه با تروریسم حاکی از آن است که هدف نهایی این سیاست‌ها کشورهای اسلامی بوده است. در واقع موضوع مقابله با تروریسم بهانه و دستاویزی برای تداوم روند مبارزه غرب با اسلام بوده است.

نتیجه‌گیری

گسترش حملات تروریستی در سطوح متفاوت و با عاملیت کارگزاران مختلف گسترش چشمگیری یافته است که در ریشه‌یابی زمانی آن باید حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را نقطه عطفی در این زمینه تلقی کرد. زمانی که آمریکا در پاسخ به حملات تروریستی به برج‌های دوقلو در سرزمین خود به افغانستان و سپس عراق لشکرکشی کرد و بر استمرار حضور نظامی خود با هدف مقابله با تروریست‌های القاعده و طالبان اصرار ورزید، بسیاری

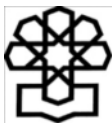
از تحلیلگران بر ظهور انواع جدیدی از تروریسم به‌عنوان نتیجه و پیامد مستقیم این استراتژی تأکید می‌کردند. آنها اعتقاد داشتند که این موج جدید نه فقط امنیت جهان اسلام و خاورمیانه را تهدید می‌کند، بلکه به درون جوامع غربی نیز رسوخ کرده و اهداف تروریستی از نیروهای غربی مستقر در جهان اسلام به حملات تروریستی هدفمند و بدون هدف در خاک کشورهای غربی گسترش خواهد یافت. به نظر می‌رسد این گمانه‌زنی‌ها به واقعیت نزدیک بوده و حمله مسلحانه اخیر در فرانسه اقدامی هدفمند در واکنش به مواضع هنجارشکنانه اسلامی و همچنین در واکنش به سیاست‌های مداخله‌جویانه فرانسه در جهان اسلام بوده است.

جلوگیری از گسترش این روند بیش از هر چیز نیازمند تغییر رویه، روش و رویکرد کشورهای غربی در قبال جوامع اسلامی است. متأسفانه غربی‌ها در مقاطع مختلف نشان داده‌اند که از عقلانیت کافی برای بازنگری در روش‌های قبلی خود نسبت به جهان اسلام برخوردار نیستند. در جریان حوادث اخیر فرانسه نیز با اینکه علت ریشه‌ای این حوادث و اقدامات موهن نشریه شارلی ابدو در توهین به مقدسات مسلمانان باز می‌گشت، شاهد تکرار این رویه از سوی نشریه مذکور بودیم. طبیعتاً تا زمانی که غرب به اشتباهات خود در نادیده گرفتن ارزش‌ها و هنجارهای جوامع اسلامی پایان ندهد نمی‌تواند از پیامدهای مخرب چنین اشتباهاتی مصون بماند. یکی از مهمترین اشتباهات غربی‌ها در سال‌های اخیر به سیاست آنها در قبال سوریه و حمایت‌ها از تروریست‌هایی مربوط می‌شود که در این کشور علیه دولت قانونی بشار اسد فعالیت می‌کنند. پیدایش گروه داعش



محصول مصیبت‌بار چنین اشتباه مهلکی بود. همان‌طور که جمهوری اسلامی ایران مدت‌ها پیش از ظهور داعش هشدار داده بود، پیگیری این سیاست غلط، دامن خود غربی‌ها را نیز گرفته و آنها را گرفتار کرده است. طبعاً در صورت تداوم چنین اشتباهاتی کشورهای غربی چشم‌انداز امنیتی تیره‌تری را فراروی خود خواهند دید.

از سوی دیگر نباید امکان دخالت سرویس‌های اطلاعاتی غربی و صهیونیستی در حوادث اخیر در فرانسه را نادیده گرفت. افزایش تنش‌ها میان غرب و جهان اسلام و محدودیت‌های ایجاد شده علیه مسلمانان از سوی کشورهای اروپایی، روندی است که بیش از همه صهیونیست‌ها از آن بهره‌مند خواهند شد. در حالی که در ماه‌های اخیر اقدام برخی پارلمان‌ها و دولت‌های اروپایی در به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطینی، خشم صهیونیست‌ها را برانگیخته بود، تدارک اقدامات تروریستی نظیر حوادث فرانسه و نسبت دادن آنها به مسلمانان و در نتیجه تشدید تنش با جهان اسلام بیش از همه می‌تواند تأمین‌کننده منافع صهیونیست‌ها باشد. این امر، سناریوی دخالت رژیم صهیونیستی در حوادث اخیر را تقویت می‌کند.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۱۲۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: حوادث فرانسه؛ ریشه‌ها و پیامدها

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: فاطمه سلیمانی

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. تروریسم

۲. فرانسه

۳. جهان اسلام



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱۱/۴